

«فرهیختگان» به بهانهٔ بازگشت مهران مدیری، رفت‌وآمدهای او بین شبکه نمایش خانگی و سیما را بررسی می‌کند

هنرمدیریت‌مدیری



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی دوربین ژانت، دختر دانشجوی عکاسی را موقع عکس گرفتن از گل‌ها و گل‌فروشی‌ها در بازار می‌دزدند، امیر که به همراه پدرش کلفروشی دارد، دزد را تعقیب می‌کند و دوربین ژانت را پس می‌گیرد. امیر فیلم «دیدار» بمحمدرضا هنرمند همان مهران مدیری است. البته مدیری ۲۶ ساله. این اولین تصویری است که از او روی پرده‌های سینما نقش می‌بندد، بازیگری که چهره‌اش برای مخاطبان تلویزیون نسبتاً آشنا به نظر می‌رسد؛ اما آن زمان هنوز کسی نمی‌دانست یکی از چهار نفر اصلی کمدی پس از انقلاب خواهد شد و شاید یکی از سیاسی‌ساز ترنیشان. او از حوالی نوجوانی روی صحنه تئاتر رفت و تا روزهای ابتدایی دهه هفتاد برای تبدیل شدن به یک سلبریتی منتظر ماند. البته در آن دوران به آدم‌هایی شبیه او سلبریتی نمی‌گفتند و لفظ سوپر استار کلمه دقیق‌تری برای بازیگر و کارگردان مجموعه‌های پرواز ۵۷ و ساعت خوش است. وقتی مدیری پرواز ۵۷ را به تلویزیون تحویل داد، سید محمد هاشمی مدیر وقت تلویزیون، داشت کم‌کم وسایلیش را از اتاقش در طبقه فوقانی سازمان صدا وسیما جمع می‌کرد و صندلی را به علی لاریجانی ۳۶ ساله واگذار می‌کرد. بیراه نیست اگر بگوییم اولین کارگردانی مهران مدیری مصادف است با پایان مدیریت ۱۲ ساله سید محمد هاشمی بر سازمان صدا وسیما و این یک شروع سیاسی برای ماجراجویی ۳۱ ساله است.

صداوسیما بدون توقف!

مدیری از معدود کارگردانانی است که با تمام مدیران تلویزیون در ۴۰ سال اخیر کار کرده است؛ از سید محمد هاشمی تا پیمان جبلی. با این همه مدیری رکورد تولید اثر را در دوران علی لاریجانی به ثبت رسانده است و ۱۰ سریال و برنامه را از ۲۴ بهمن ۱۳۷۲ تا ۳ خرداد ۱۳۸۳ ساخته. ساعت خوش، سال خوش، جنگ ۱+۷۷،۷۷، ببخشید شما، پلاک ۱۴، نود شب، طنز ۸۰، پاورچین و نقطه‌چین ده سریال و برنامه‌هایی هستند که در بازه این ده سال پخش شده‌اند و او در مجموع چیزی نزدیک به ۸۵۰ قسمت را ساخت و روانه آنتن کرد. مدیری در آن سال‌ها باوجود آنکه در ابتدای کار و با ساعت خوش با واکنش شدیدی مواجه شد اما به مرور زمان اعتمادها را جلب کرد و محرومیت‌ها هم به پایان رسید و مدیری در قامت اجرا و ساخت برنامه‌های آئیمی کارش را تا پایان دهه هفتاد ادامه داد. مدیری تا برنامه طنز ۸۰ گونه‌ای از برنامه‌سازی را ادامه داد که از چند جهت روی جامعه اثر گسترده‌ای گذاشت. در شماره ۵۱ مجله گزارش در اردیبهشت ۷۲، در مطلبی با عنوان کوسه و ریش پهن نوشت: «ایشان در قالب برنامه «ساعت خوش» و نیز برنامه‌های ویژه نوروزی توانسته است چنان ذهن خرد و کلان را اشغال کند که اکنون کمتر کسی به یاد کلاه قرمزی می‌افتد. اکنون به جای «اکشال نداره» و

تعداد قسمت برنامه‌ها و سریال‌هایی که در هر دورهٔ مدیریتی تلویزیون، مهران مدیری کارگردانی و پخش کرده است



همسایهٔ غربی چطور مخاطب را با سینما آشتی داد؟

سبد تولید را متنوع کنید مثل ترکیه



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

سینمای ایران مدت‌هاست که در سبید اکران خود درگیر دو ژانر «کمدی» و «درام خانوادگی» است و برخوردی سطح پایین و بسیار کلیشه‌ای با مفهوم فیلم کمدی و ملودرام دارد. در واقع نسخه‌هایی که فیلمسازان ایرانی برای مخاطبان خود می‌پسندند، به‌دور از بداعت و خلاقیت است و تنها سوژه را در دم‌دستی‌ترین حالت، مصرف می‌کند. همین نکته نیز باعث شده تا شبکه نمایش خانگی و محتواهای موجود در بسترهای آنلاین، از تاک‌شو گرفته تا استندآپ کمدی، طرف‌دار بیشتری نسبت به آثار سینمایی داشته باشند و بدون هیچ رقیبی، تخت‌گاز به سمت جلو برانند. اوضاع در سینمای غرب، شرق و کشورهای دور و اطراف ما هم چندان کل‌وبلبیل نیست، اما آن‌ها با انتخاب مسیری متفاوت، به تنوع بصری – رویی آثارشان فکر می‌کنند و ذائقه تماشاگر را شرطی بار نمی‌آورند. موجودیت فیلم در کشور ما – به‌عنوان یک کالای مصرفی – قدمتی نزدیک به صد ساله دارد و نفوذ سینما در میان ایرانیان بدل به سنتی دیرپا شده است و به همین دلیل کمتر کشوری را در منطقه، به‌جز «لبنان»، «مصر» و «ترکیه» می‌توان سراغ گرفت که در حد و اندازه نام ایران چیزی تحت عنوان سینما داشته باشد و به آثارش چه در بُعد سرگرمی و چه در جنبه متفکرانه این بالاد؛ همه این‌ها اما باعث نشده تا همسایگان ما بخواهند دست روی دست بگذارند و بازار خود را توسعه ندهند. در چنین شرایطی، اصلی‌ترین رقیب ایران در خاورمیانه، یعنی ترکیه، عزم خویش را برای تبدیل شدن به رقیب جدی سیستم‌های یوئود، یالپوود و صنعت پرقدرت سینمای شرق دور جزم کرده است. به گزارش «دیلی صباح»، سعید یاردیمچی، رئیس کمیسیون فیلم

«مگه چیه» خرد و کلان می‌گویند «کف کردم»، «روشن شدی» و... و اگر کسانی باور دارند که این برنامه‌ها یک رویداد هنری و فرهنگی است، گو باشند. سیما را چه شده که از نظر فیز به افراط امروز کشانده شده است؟ اگر به این نتیجه رسیدند که «ساعت خوش» و «سال خوش» برخلاف باور کارشناسان مسائل آموزشی و اجتماعی، برنامه‌های بی‌ضرر، سرگرم‌کننده و آموزنده است، مراتب را جهت عبرت عموم اعلان کنند. «ساعت‌خوش در آن بازه زمانی به‌عنوان ضدفرهنگ ترسیم می‌شود و از اساس آن شکل از کمدی آئیمی که جامعه و رفتارهای مردم را مورد نقد قرار می‌داد، با واکنش‌های شدیدی از سوی جامعه مواجه شد، با این همه، نکته پنهان شده در مدل کاری مدیری تداومی است که او در آن شکل از برنامه‌سازی دنبال می‌کند. مدیری در برنامه‌های آغازین خود مثل پرواز ۵۷ شکلی از کمدی موقعیت در تئاتر را به تلویزیون می‌آورد و در ساعت خوش رفته رفته دوربین را به بیرون از صحنه می‌برد و مدلی کمدی آئیمی را تغییر می‌دهد. در ابتدای امر کارهای داریوش کاردان و مدیری از هم قابل تشخیص نیست و برخی اورا گرته‌بردار از کاردان می‌دانند؛ اما هر چه جلوتر می‌رود لحن مدیری از کاردان فاصله می‌گیرد. لحن مدیری تندتر و در ساخت آئیم جسورتر است و جسارت او در شوخی‌کردن با افراد و چهره‌ها (شوخی با منوچهر نوذری) پیدا می‌شود. مدیری نهایت این جسارت را در «ببخشید شما؟» به خرج می‌دهد. برنامه‌ای که از تولیدات متفاوت شبکه تازه تأسیس سه محسوب می‌شود و مدیری را از شبکه که دو به این شبکه منتقل می‌کند.

رود به دهه هشتاد وری برندمدیری

با ورود به دهه هشتاد، مدیری هم رویکردش را تغییر می‌دهد. او پس از چند سال به‌عنوان بازیگر به سینما باز می‌گردد و در توکیو بدون توقف بازی می‌کند و به‌موازات آن پروژه‌های نود ششی و اپیزودی را به‌جای تولیدات آئیمی دنبال می‌کند. مدیری فضای تلویزیون را از تولیدات آئیمی اشباع می‌بیند و از طرفی بالا آمدن کمدی‌سازهای داستانی همچون عطاران که پیش‌ازاین با او در کارهای آئیمی همراهی می‌کردند را می‌بیند. از طرفی آشنایی مدیری با بردارن قاسم‌خانی نیز مزید بر علت می‌شود مدیری از آئیم‌سازی به سمت اپیزودی ساختن پیش می‌رود و با این جابه‌جایی عصر کمدی‌های آئیمی در تاریخ تلویزیون پایان می‌پذیرد (البته پس از این رفت‌وآمدها خنده‌بازار هم تولید می‌شود که تنها تولید موفق آئیمی پس از دهه هشتاد است).

مدیری در دهه هشتاد مواجه با یک تغییر مدیریتی هم می‌شود و به‌موازات آن رئیس جمهور و فضای سیاسی کشور هم تغییر می‌کند. از طرفی تغییرات فرهنگی هم شدت می‌گیرد و تلویزیون خودش را ملزم به رویکرد واکنشی در نسبت با این تغییرات می‌بیند. مدیری برای آنکه پویایی اثرش حفظ شود به تولید کاملاً داستانی روی نمی‌آورد و تولید نود ششی را به سریال‌های ۲۰ و ۳۰ قسمتی پیوسته ترجیح می‌دهد. قاسم‌خانی‌ها در

متن‌هایشان واکنشی نسبت به اتفاقات جامعه نشان می‌دهند و مدیری هم آن را به تصویر می‌کشد. پاورچین بدل به نقطه اوج کارنامه کاری مدیری می‌شود و تمام جامعه متأثر از پاورچین می‌شود. پاورچین دایره واژگانی خلق می‌کند و خیلی زود به ادبیات روزمره وارد می‌شود. مدیری در دومین تلاشش در این فضا نقطه‌چین را می‌سازد که آن هم با اقبال مخاطب مواجه می‌شود. مدیری پس از پاورچین تلاش می‌کند شیوه متفاوتی از تولید را با جایزه بزرگ امتحان کند؛ اما حاصلش اصلاً به کیفیت پاورچین نیست و به اندازه باقی کارهای او دیده نمی‌شود. مدیری هم خیلی زود مدار تولیداتش را با بازخوردها تنظیم می‌کند و جهان خلق شده در پاورچین را تکمیل می‌کند و شب‌های برره را می‌سازد. شب‌های برره خیلی زود بدل به نقطه اوج کارنامه مدیری در تلویزیون و حتی نقطه اوج مدیر تازه نفس سازمان یعنی عزت‌الله ضرغامی بدل می‌شود. مدیری در کنار سروش صحت، رامبد جوان و رضا عطاران به‌عنوان ۴ نفر اصلی کمدی دهه هشتاد و نود شمسی شناخته می‌شود. مدیری در دوران ضرغامی و لاریجانی به‌رغم برخی درگیری‌ها، نگاه‌های سازمان را هم در تلویزیون پیاده می‌کند و آن چیزی را که تلویزیون نیاز دارد به تصویر می‌آورد؛ از شوخی‌های سیاسی (مثل شوخی با تحصن مجلس ششم در نقطه‌چین) گرفته تا شوخی با معضلات فرهنگی که تلویزیون نیاز به فرهنگ‌سازی در آن حوزه‌ها را داشت. آنچه در کارنامه مدیری واضح است رابطه او با سازمان از دهه هفتاد تا اواسط دهه هشتاد به نفع همه است، هم مردم سرگرمی مناسب می‌بینند و هم مدیری آن چیزی را می‌سازد که دوست دارد.

دبل شیفت پارادایم

مدیری در دوران ضرغامی ۵ سریال می‌سازد و حدود ۱۸۴ قسمت را به صداوسیما ضرغامی ارسال می‌کند. او پس از اتمام ساخت شب‌های برره و توقیف آن، شروع به عبور از تولیدات اپیزودی می‌کند و به مرور زمان با باغ مظفر، مرد هزار و دو هزار چهره مدل ساخت آثارش را عوض می‌کند. این ویژگی ثابت تمام کارنامه کاری مدیری است او هر ۵ تا ۱۰ سال یکبار مدل ساخت سریالش را تغییر می‌دهد. با این همه مدیری در اواسط دهه هشتاد، رویکردش را نه در کیفیت اثر بلکه در بستر انتشار تغییر می‌دهد و در نمایش خانگی با قهوه تلخ می‌آید. قهوه تلخ واکنشی می‌شود در برابر تولیدات ماهواره‌ای و سریال‌های ترک و خیلی زود مدل مصرف خانوارهای ایرانی را تغییر می‌دهد. مدیری در گیر و دار همین تغییر بستر، لحنش را شدیدتر می‌کند و نزدیک شدنش به خط قرمزها را هم شدیدتر می‌کند. این تغییر بستر مدیری ۷ سال به طول می‌انجامد و در نهایت و با در حاشیه به تلویزیون باز می‌گردد. مدیری در این ۷ سال دوباره مدل‌های مختلف آثار را تکرار می‌کند و از تولیدات اپیزودی گرفته تا آئیمی را امتحان می‌کند، با این همه او متوجه می‌شود که میزان مخاطبی که می‌شود در تلویزیون به دست آورد از سی‌دی‌ها و سوپر مارکت‌ها جذب نمی‌شود. مدیری به تلویزیون باز می‌گردد و در حاشیه را کار می‌کند و پس از آن، دوره‌می را به آنتن می‌برد. عملکرد مدیری در دوران مدیریت سرافراز پر سازمان در نهایت با ۲ سریال و آغاز دوره‌می (۱۵۰ قسمت) به پایان می‌رسد و دوران ساخت دوره‌می ادامه پیدا می‌کند. در این بین مدیری رفت و برگشتی به سینما و کارگردانی دارد که تقریباً هیچکدام مدیری را در کارگردانی به یک سازنده موفق بدل نمی‌کند. مدیری به‌موازات ساخت دوره‌می حضورش در نمایش خانگی را به‌عنوان سریال‌ساز ادامه می‌دهد و دوره علی‌عسگری با حدود ۲۱۳ قسمت ساخته شده برای دوره‌می تمام می‌شود.

تغییرات اغراق‌آمیز با بحران میان‌سالی

مدیری از دوران مدیریت سرافراز و پس از آن هفت سال میل اکزجرای

به سمت استفاده غلوآمیز از رنگ و نور و ساخت تیپ پیدا می‌کند. این روند در نمایش خانگی شدیدتر است و اوجش به قهوه پدري می‌رسد سریالی که با واکنش منفی و شدید مخاطبان مواجه می‌شود و در کنار جایزه بزرگ به‌عنوان یکی از ضعیف‌ترین تولیدات کارنامه کاری او بدل می‌شود. مدیری باوجود تسمام قهر و آشتی‌ها پس از ۱۴۰۰، فصل آخر دوره‌می را در قالب مسابقه به اتمام می‌رساند و دوباره فاصله‌اش با صدا سیما بیشتر می‌شود. فاصله گرفتن او از سازمان هم تلویزیون را وارد دوران مخاطب نزولی می‌کند و هم کیفیت تولیدات مدیری را به شدت کاهش می‌دهد. اسکار ادامه پیدا نمی‌کند، گل پا پوچ خلافتی را از مدیری طلب نمی‌کند و سریال‌ها هم دیگر جذاب نیستند. سازمان هم که رویکردش در سلب‌ریتی‌زدایی جواب نمی‌دهد و باید خطوط قرمز را به قرمز پواش تغییر بدهد. به همین دلیل مدیری دوباره باز می‌گردد تا با شش ماهه، همان کاری را که با در حاشیه انجام داد و به تلویزیون بازگشت امتحان کند و با مرد سه هزار چهره هم احتمالاً آن را ادامه خواهد داد.

مدیری در ده سال اخیر انتخاب‌های اشتباه بسیاری داشته، از تمرکز روی خوانندگی تا ساخت سریال‌هایی که آن را می‌شود جدا از کارنامه او فرض کرد. سریال‌هایی که در مدل شوخی‌کردن فاصله‌ای جدی با تولیداتی دارد که قاسم‌خانی‌ها و الوند برای او می‌نوشتند. حالا مدیری تیم نویسندگان را هم تغییر داده تا با رویکرد تازه به سازمان بپیاید. سازمان هم به نظر باید برای آنکه مدیری کیفیت بالاتری را در سریال‌هایش نشان دهد، برخی از سخت‌گیری‌های محتوایی را رکنار گذاشته و به یک عقلانیت مشترک با مدیری برسد. عقلانیتی که به نظر می‌رسد نیاز پویایی یک سازمان رسانه‌ای و کارگردانش باشد. سازمانی که حالا به‌درستی فرصت تجربه‌کردن را به کارگردان ۵۸ ساله‌اش داده است.

